

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۰۳/۲۵

احمد فواد ارسلا

سیاست ترمپ، تمرکز بر ایران، و طالبان



مقاله ذیل را قبلاً به انگلیسی در سایت های لینکدین، ایکس و دعوت میدیا نشر کرده ام

<https://www.linkedin.com/pulse/trump-iran-centered-policy-taliban-ahmad-arsala-98wue/?trackingId=oxhvdKLEQLiWmj8CEuS3pQ%3D%3D>

ترجمه دري در ذیل تقدیم است.

سیاست خارجی اداره ترمپ در جنوب آسیا با موضع قاطع علیه اهداف منطقه‌ای و اتمی ایران مشخص شده بود. با وخامت شرایط امنیتی در پاکستان، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که واشنگتن ممکن است تعامل با طالبان را به عنوان یک ستراتیژی عملی برای دستیابی به اهداف خود در منطقه در نظر گرفته باشد. آزادی اخیر یک گروه آمریکایی در افغانستان، فرضیاتی درباره روابط ایالات متحده و طالبان را دوباره برانگیخته است، بخصوص با توجه به حضور زلمی خلیلزاد، نماینده پیشین آمریکا در امور افغانستان، در کابل. علاوه بر این، تصمیم ایالات متحده برای لغو جایزه‌ای که مدت‌ها برای یک رهبر کلیدی طالبان تعیین شده بود، نشان‌دهنده احتمال بازنگری در سیاست این کشور است

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني دلیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

فشار حداکثری ترامپ بر ایران

پس از اعمال مجدد تحریم‌ها بر ایران و خروج از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵، اداره ترامپ سیاست انزوای اقتصادی و دیپلماتیک علیه تهران را دنبال کرد. جنگ در اسرائیل که توسط گروه‌های تحت حمایت ایران مانند حماس و حزب‌الله آغاز شد، همراه با حملات مستقیم ایران و ضربات حوثی‌های تحت حمایت ایران، منظره دیپلماسی را به‌طور قابل‌توجهی کاهش داده است. مقامات ارشد امنیت ملی ایالات متحده مواضع سخت‌گیرانه‌ای علیه رژیم ایران داشتند که باعث تقویت طرز دید تهاجمی شد.

تعامل با طالبان و نقش خلیزاد

با وجود ارتباط تاریخی طالبان با گروه‌های افراطی، اداره ترامپ مذاکرات مستقیمی را با این گروه آغاز کرد که در نهایت به توافق دوحه در سال ۲۰۲۰ منجر شد و زمینه را برای خروج قوای امریکایی از افغانستان فراهم کرد. آزادی اخیر جورج گلزمن، گروگان امریکایی که بیش از دو سال در افغانستان محبوس بود، فرضیاتی را درباره‌ی تداوم چینل‌های ارتباطی بین ایالات متحده و طالبان افزایش داده است. ناظران معتقدند که زلمی خلیزاد، معمار کلیدی توافق دوحه، نقشی فراتر از مذاکره برای آزادی این گروگان داشته است. او که مدت‌ها طرفدار تعامل عملگر‌ایانه با طالبان بود، نقش مهمی در شکل‌دهی به ستراتیژی اداره ترامپ در افغانستان ایفا کرد. با توجه به ارتباطات نزدیک وی با رهبری طالبان، بسیاری گمان می‌کنند که دخالت او فقط به تسهیل مذاکرات دیپلماتیک محدود نبوده است. مذاکرات قبلی او در سال ۲۰۲۰ زمینه‌ساز توافقات پشت‌پرده شد، که این سؤال را مطرح می‌کند که آیا امتیازاتی در ازای آزادی گلزمن به طالبان داده شده است یا خیر.

لغو جایزه برای سراج‌الدین حقانی توسط ایالات متحده

در ادامه فرضیات درباره تغییر احتمالی در ستراتیژی ایالات متحده، راپورهایی در ۲۲ مارچ ۲۰۲۵ منتشر شد که نشان می‌دهد ایالات متحده جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری سراج‌الدین حقانی، وزیر داخله طالبان، شود را لغو کرده است. حقانی که پیشتر رهبر تشکیلات حقانی بود، با حملات و آدم‌ربایی‌های برجسته‌ای، از جمله گروگان‌گیری بو برگدال، عسکر امریکایی در سال ۲۰۱۴، مرتبط بوده است. با وجود راپور ها درباره حذف این جایزه، وبسایت اف‌بی‌آی همچنان این جایزه را ذکر می‌کند که نشان‌دهنده ابهام در موضع رسمی ایالات متحده است.

با در نظر داشت زمان این تصمیم، تنها چند روز پس از آزادی گلزمن، باعث شده تحلیلگران احتمال یک ستراتیژی گسترده‌تر ایالات متحده برای تعامل با طالبان را مطرح کنند. این آزادی که از طریق مذاکرات بین مقامات امریکایی و میانجی‌گری قطری‌ها انجام شد، سومین آزادی گروگان از جنوری تاکنون محسوب می‌شود که نمایش جدیدی از دیپلماسی پشت‌پرده را نشان می‌دهد.

وخامت امنیتی در پاکستان و محاسبات منطقه‌ای

بی‌ثباتی فزاینده در پاکستان—که با شورش‌های ملیشه‌های ضد دولت حاکم و بحران‌های اقتصادی همراه است—تردیدهایی را درباره قابلیت این کشور به‌عنوان یک شریک امنیتی قابل‌اعتماد ایجاد کرده است. این عدم اطمینان ممکن است اداره ترامپ را وادار کرده باشد که به دنبال بازیگران جایگزین منطقه‌ای برای مقابله با ایران و حفظ نفوذ در افغانستان باشد. اگر پاکستان از تأمین امنیت ناتوان باشد، ایجاد روابطی عملی‌تر و مبتنی بر منافع متقابل با طالبان می‌تواند با منافع ایالات متحده در منطقه همسو باشد.

طالبان در قدرت در سال

با وجود محدودیت‌های شدید طالبان بر آموزش و اشتغال زنان، این گروه از نظر ستراتیژیک برای یک رئیس‌جمهور معامله‌گر مانند ترامپ برخی مزیت‌ها را فراهم می‌کند:

1. طالبان کنترل خود بر افغانستان را به گونه‌ای که در دهه‌های گذشته دیده نشده، تثبیت کرده‌اند و نوعی ثبات را ایجاد کرده‌اند.
2. راپورها نشان می‌دهند که طالبان در مبارزه با القاعده و داعش در افغانستان با سازمان‌های استخباراتی ایالات متحده همکاری کرده‌اند.
3. فساد و جنگ‌سالاری که از مشکلات دیرینه در افغانستان بودند تا حد زیادی تحت حاکمیت طالبان کاهش یافته است.

د پانو شمیره: له 2 تر 3

4. طالبان یک تشکیلات قوماندانده سلسله‌مراتبی سخت‌گیرانه دارند که درجه‌ای از نظم و پیش‌بینی‌پذیری داخلی را فراهم می‌کند.

در حالی که سیاست‌های طالبان درباره حقوق زنان همچنان موضوعی بحث‌برانگیز است، یک طرز دید عملگرایانه و مبتنی بر معاملات ممکن است باعث شود واشنگتن از ساختار حکومتی طالبان برای ثبات منطقه‌ای بهره ببرد.

پیامدهای ستراتیژیک

روابط در حال تحول اداره ترمپ با طالبان به نظر می‌رسد بیشتر بر اساس عمل‌گرایی است تا همسویی ایدئولوژیک. اگر همکاری با طالبان بتواند به مهار ایران و حفظ ثبات منطقه‌ای در غیاب نقش قوی پاکستان کمک کند، واشنگتن ممکن است این تعاملات را گسترش دهد. حذف جایزه برای حقانی و آزادی اخیر گروگان‌ها پیچیدگی این روابط را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

موازنه بین مهار ایران، مدیریت بی‌ثباتی پاکستان و حفظ اهرم نفوذ در افغانستان منعکس‌کننده محاسبات ستراتیژیک اداره ترمپ است. در حالی که تعامل با طالبان همچنان بحث‌برانگیز است، شخصیت‌هایی مانند خلیلزاد نشان داده‌اند که چینل‌های دیپلماتیک غیررسمی می‌توانند نتایجی را به همراه داشته باشند. حذف جایزه برای حقانی پرسش‌های بیشتری را در مورد این‌که آیا ایالات متحده به‌طور مخفیانه در حال زمینه‌سازی برای همکاری‌های عمیق‌تر با طالبان است یا خیر، مطرح کرده است.

سؤال کلیدی باقی می‌ماند: آیا این یک مانور تاکتیکی کوتاهمدت است، یا نشانه‌ای از تغییر بلندمدت در استراتژی ایالات متحده؟